

روزی بعد از این که مدتی درباره محبت خدا صحبت کردیم ، یکی از دوستان پرسید: اگر خدا محبت است چطور ممکن است که این خدای محبت غضب داشته باشد و کسی را به جهنم بفرستد؟! سوال خوبی است، آیا واقعا خدا که صفت ممتاز محبت را دارد می تواند دارای غضب هم باشد؟! در کتاب مقدس ، درباره غضب خدا خیلی صحبت شده است، خیلی باعث تاسف است که بسیاری از مسیحیان برای غضب خدا یا معذرت خواهی می کنند یا دست کم با خود می گویند ای کاش چنین چیزی در خدا نبود! یا بعضی دیگر می گویند که غضب خدا در شخصیت خدا خدشه به وجود می آورد و با میل با موضوع غضب خدا روبرو نمی شوند. البته بیشتر ترجیح می دهند که درباره غضب خدا نه فکر کنند نه صحبت کنند، و اگر هم مواقعی هست که این موضوع مطرح می شود در اعماق ذهن و دل خویش نسبت به این که خدا غضب هم دارد احساس رنجش می کنند. در ضمن گروهی هم هستند که با این که در مورد غضب خدا عاقلانه تر فکر می کنند، برداشتشان از موضوع غضب خدا فقط شدت خشم و وحشتناکی آن است و نمی تواند موضوع چندان سودمندی باشد که اکنون درباره اش زیاد بحث و صحبت شود. در نهایت عده ای هم هستند که در خیالات خود فکر می کنند که غضب خدا با نیکویی خدا مغایرت دارد و سعی بر این دارند که موضوع غضب خدا را از افکارشان به طور کامل محو نمایند. بله، خیلی از افراد هستند که از منظره ای که در آن غضب خدا دیده می شود روی برمی گردانند و فکر می کنند که وقتی درباره موضوع غضب خدا با آنها صحبت می شود، از آن ها این طور خواسته شده است که به یک لکه و نقص در شخصیت یا حاکمیت خدا نگاه کنند! اما بهتر است که در این مورد نیز به کلام خدا مراجعه کنیم ، و وقتی با دقت کلام خدا را مرور می کنیم متوجه می شویم که خدا هرگز سعی نداشته است که بر حقایق خصلت الهی ، یعنی غضب خود ، سرپوش بگذارد و آن را پنهان کند. خدا درباره این که او خدایی با غضب الهی و شدیداً انتقام گیرنده است نه تنها خجل نیست بلکه خیلی هم اصرار دارد ما این حقیقت را درباره او بدانیم. اجازه بدهید یک قسمت مهم از کلام خدا را در این باره بخوانیم: " بدانید که تنها من خدا هستم و خدای دیگری غیر از من نیست. می میرانم و زنده می سازم، مجروح می کنم و شفا می دهم، و کسی نمی تواند از دست من رهایی بخشد. من که تا ابد زنده هستم ، دست خود را به آسمان برافراشته اعلام می کنم که شمشیر براق خود را تیز کرده ، بر دشمنانم داوری خواهم نمود. از آنها انتقام خواهم گرفت و کسانی را که از من نفرت دارند مجازات خواهم کرد. (تثنیه ۳۲: ۳۹-۴۱). پس می بینیم که خدا در مورد حاکمیت و غضبش بر خلقت شوخی ندارد و ما باید آن چه را که در شخصیت الهی خدا هست بدانیم و در زندگی خود در نظر داشته باشیم. اگر ما خوب کتاب مقدس را بخوانیم متوجه خواهیم شد که آیاتی که غضب و خشم خدا را در کتاب مقدس ذکر می کند بیشتر از آیاتی است که مهر و محبت خدا را ذکر می کند. چرا؟ برای این که خدای واقعی خدای قدوس، خدای عادل، خدای پاک ، خدای منزّه از هر گناه است و خدایی است که از گناه نفرت دارد و چون از گناه نفرت دارد پس خشم و غضبش نسبت به گناه کاران شعله ور است. " خدا داور عادل است . او هر روز بر بدکاران خشمگین می شود." (مزمور ۷: ۱۱). پس همان قدر که در کاملیت خدا وفاداری و قدرت و رحمت وجود دارد ، به همان اندازه هم غضب وجود دارد و باید هم وجود داشته باشد چون هیچ خدشه ای و نقص و کم و کاستی در شخصیت خدا وجود ندارد و اگر در خدا غضب الهی نمی بود ما کم و کاست در وجود خدا می دیدیم. در واقع بی تفاوتی نسبت به گناه یک نقص اخلاقی است و کسی که از گناه نفرت ندارد دارای نقص اخلاقی است و ما می دانیم که در خدا هیچ نقصی وجود ندارد، چطور ممکن است آن وجودی که در او جمیع چیزهای عالی هست ، هم به تقوا و پرهیزکاری راضی باشد هم به گناه و فساد؟! چطور ممکن است خدای متعال به حکمت و حماقت به طور یکسان نگاه کند؟ چه طور ممکن است خدایی که قدوس است گناه را نادیده بگیرد و خشم خودش را در این مورد نشان ندهد؟ چطور ممکن است خدایی که فقط از آن چه پاک و دوست داشتنی است لذت می برد، از آن چه که ناپاک و شرم آور است متنفر نباشد؟! شخصیت و طبیعت الهی خدا همان قدر که بهشت را حتمی و ضروری می کند به همان اندازه هم ایجاب می کند که جهنم وجود داشته باشد. پس نه فقط در خدا کم و کاستی و نقص وجود ندارد بلکه آن کاملیتی هم که وجود دارد کمتر از کمال مطلق نیست و در این حقیقت، غضب خدا هم سرنوشت ابدی شرارت است. غضب خدا نمایانگر ناخشنودی و خشم خدا نسبت به شرارت و شیران است. در واقع باید گفت که غضب خدا جنبش و حرکت قدوسیت خدا در برابر گناه است و نیز اجرای حکم قضاوت عادلانه خدا بر بدکاران و اشخاص شریر. خدا نسبت به گناه خشمگین است ، چون گناه یاغیگری و سرکشی در

مقابل اختیارات مقدسانه خداوند است. آنانی که در مقابل فرامین خدا شورش و طغیان می کنند باید بدانند که خدا ارباب و حاکم است. باید بدانند که عظمت و شکوه این حکومت به قدری است که همه ی کسانی که از حاکمیت خدا نفرت دارند و این حاکمیت را خوار می شمارند راه دیگری به غیر از روبرو شدن با خشم عظیم الهی ندارند و وای به حال چنین اشخاصی که به دست خدای قدوس و عادل بیافتند، اما باید این را در نظر داشته باشیم که غضب خدا بد طینتی و کینه جوئی نیست، تلافی و عمل بدخواهانه که خدا بخواهد با آن به ما صدمه بزند نیست. با این که خدا از حاکمیت خودش دفاع خواهد کرد و حاکم مطلق بودن او ثابت خواهد شد، خدا هیچ وقت کینه توز نبوده، نیست و نخواهد بود، بلکه ما خدای عادل داریم که به حکمت الهی، غضب خودش را به کار می گیرد و استفاده می کند. پس غضب الهی یکی از خصوصیات خدای متعال است و جزئی از کاملیت خدا محسوب می شود و ما این موضوع را با کمال آگاهی از خود کلام خدا می دانیم. برای مثال: " غضب خدا از آسمان بر هر گونه گناه و شرارت مردمی نازل می شود که زندگی شرارت آمیزشان مانع شناسایی حقیقت است." (رومیان ۱:۱۸). با یک نظر کوتاه به تاریخ بشریت، متوجه می شویم که یکی از صفات الهی خدای قدوس و عادل همانا غضب او است. این موضوع را از همان ابتدا که حکم مرگ برای ناطاعتی از فرمان خدا به جد ما آدم و حوا داده شده می توان مشاهده کرد. سپس نمونه های این غضب را در رانده شدن آدم و حوا از حضور قدوس خدا از باغ عدن، طوفان عظیم زمان حضرت نوح که چطور به خاطر شرارت و گناه دنیای آن زمان زیر آب مدفون شد، ریختن آتش و گوگرد بر شهرهای سدوم و عموره به دلیل گناه همجنس بازی، و همچنین غضب خدا را در این که مرگ و میر در دنیا وجود دارد می بینیم. کتاب مقدس می گوید: گناه به وسیله ی یک انسان به جهان وارد شد و این گناه مرگ را به همراه آورد. در نتیجه، چون همه گناه کردند مرگ همه را در بر گرفت. (رومیان ۵:۱۲). موضوع مهم دیگر درباره غضب خدا، قربانی کردن برای خدا جهت بخشایش گناهان است. در واقع تمام خلقت به خاطر گناه در زیر لعنت خدا و در آه و ناله است. همین خلقتی که فریاد می زند که خدا وجود دارد و جلال خدا را به نمایش می گذارد، همین خلقت هم به ما نشان می دهد که خدا از گناه متنفر است و قضاوت خودش درباره گناه و بشر گناهکاری که توبه نمی کند اعلام کرده است. در نهایت خدا، غضب خودش را به طور واضح وقتی که عیسای مسیح را، که در ذات الهی خود خدا بود، به زمین فرستاد تا نه فقط صفات الهی خودش را به ما نشان بدهد بلکه آن غضب الهی خودش را هم در درد و رنجی که عیسای مسیح به خاطر گناهان من و شما کشید به نمایش بگذارد. عیسای مسیح که از ازل وجود داشت، توسط دمیدن روح مقدس خدا در مریم باکره، بی گناه به این دنیای خاکی وارد می شود، بی گناه زندگی می کند و نه به خاطر این که خودش خطایی مرتکب شده بود، بلکه به خاطر گناهان من و شما مصلوب می شود و می میرد تا غضب خدا به جای این که بر سر ما بریزد به طور هولناکی بر روی عیسای مسیح ریخته شود تا خدا تنفر خودش را نسبت به گناه به همه جهان نشان دهد و به این ترتیب گناه را قضاوت کند، اکنون دیگر به طور واضح قضاوت ابدی الهی به همه ی بدکاران و اشخاص شرور اعلام شده است، حالا با آمدن مسیح و مصلوب شدن او به خاطر گناه بشر دو موضوع بسیار مهم به همگان اعلام می شود: یکی این که بدون توبه و ایمان به عیسای مسیح مورد غضب خدا هستیم، و دیگری این که با توبه و ایمان به عیسای مسیح به عنوان نجات دهنده و خداوند زندگی خویش، رستگار شده و زیر فیض خدا قرار خواهیم گرفت و از غضب خدا رهایی خواهیم یافت.

باز هم این را تکرار می کنم که در خصلت الهی خدا و وجود کامل او غضب الهی نهفته شده و این موضوع به خواست و میل ما نیست که این غضب باشد یا نباشد و ما این را به طور واضح در کلام خدا می بینیم، خدا در کلامش می گوید: در غضب خود، قسم خوردم. (مزمور ۱۱:۹۵ ترجمه قدیم). این نکته بسیار جالب است، زیرا ما در کتاب مقدس می بینیم که خدا برای دو چیز قسم می خورد: یکی آن که، آن چه وعده داده است انجام خواهد داد (پیدایش ۲۲:۱۶) و دیگری آن که غضب الهی خود را به اجرا بگذارد (تثنیه ۱: ۳۴). در قسم اول خدا وعده رحمت خودش را به متعلقان خود می دهد و در قسم دوم خدا به نسل بدکار و شرور اعلام می کند که به خاطر بی ایمانی از ارث الهی محروم هستند. این موضوع که امروزه به خاطر قسم خوردن های دروغ انسان ها، معنی اصلی قسم از بین رفته است، خللی به جدی بودن قسم خداوند در کتاب مقدس وارد نمی کند و قسم خوردن در کتاب مقدس و کلام خدا یک موضوع بسیار بسیار جدی است. کلام خداوند می فرماید: در میان آدمیان مرسوم است که به چیزی بزرگتر از خود سوگند بخورند و آن چه مباحثات را خاتمه می دهد معمولاً یک سوگند است (عبرانیان ۶:۱۶). جالب است که در کتاب

مقدس می خوانیم که خدا می گوید: به ذات خود قسم خورده ام (پیدایش ۲۲:۱۶). پس خدا به شخصیت و ذات الهی خویش که از همه چیز والاتر است قسم می خورد. خدا به چه چیز والایی در ذات خویش سوگند می خورد؟ به دو چیز. "به قدوسیت خویش قسم خوردم" (مزمور ۸۹:۳۵)، بنابراین خدا به قدری به قدوسیتش اهمیت می دهد که به آن قسم می خورد. و دوم، "در غضب خود قسم خورده ام" (مزمور ۹۵:۱۱). پس نه فقط خدا به قدوسیتش قسم می خورد بلکه در غضبش هم قسم می خورد، در نتیجه خدا همان قدر که به قدوسیت خویش اهمیت می دهد به غضب خود نیز اهمیت می دهد و در آن قسم می خورد. باید توجه داشت که این موضوع بسیار مهمی است، خدای ازلی و ابدی، خدای یکتا به اندازه ای کامل است که اجازه نمی دهد خدشه ای در قدوسیت او به وجود بیاید و به خاطر همین برای این که بشر گناهکار را به حضور خود بپذیرد، الهیت خویش را به طور کامل در عیسی مسیح مجسم کرد (کولسیان ۲:۹) و در مکاشفه باب ۶ آیه ۱۶ درباره ی بره ی خدا و خشم بره می خوانیم که البته بره، لقب عیسی مسیح است. خوب است که ما درباره ی این خصوصیت کمال خدا یعنی درباره ی غضب خدا بیشتر و بیشتر فکر کنیم. چرا؟ اولاً برای این که به خوبی متوجه شویم که خدا چقدر از گناه نفرت دارد. چون ما اغلب گناه را سرسری می گیریم و تمایل داریم به این که به خاطر گناه در اطاعت از فرامین خدا برای خود تخفیف قایل شویم و گناه را زیر سبیلی رد کنیم و یا این که به هر حال آن را به نحوی توجیه کنیم، ولی هرچه ما بیشتر متوجه قدوسیت خدا و نفرتی که خدا از گناه دارد بشویم، بیشتر خشم و غضب او را نسبت به گناه درک خواهیم کرد و به زشتی و بدی گناه پی خواهیم برد. دلیل دیگری که ما را وادار می دارد درباره قدوسیت و غضب خدا فکر کنیم، این است که ترس احترام آمیز درست از خدا را به دست بیاوریم. کلام خدا می گوید: خدا را برای آن پادشاهی تزلزل نپذیری که او به ما می دهد سپاس گوئیم و او را آن طور که مقبول او است عبادت نماییم، یعنی با خوف و احترام، زیرا خدای ما در واقع آتشی است که می سوزاند (عبرانیان ۱۲: ۲۸-۲۹). ما نمی توانیم آن طور که شایسته خدا هست او را عبادت و خدمت کنیم مگر این که احترام توأم با ترس الهی را درباره خشم و غضب خدا در دل داشته باشیم و مکرراً به یاد آوریم. علاوه بر این فکر کردن به غضب خدا باعث می شود که ما جدی تر خداوند را حمد و سپاس گوئیم که ما را از غضب آینده رهایی داده است. "آری همان عیسی که خدا او را پس از مرگ زنده ساخت، ما را از غضب آینده رهایی می بخشد." (اول تسالونیکیان ۱: ۱۰). تمایل یا بی میلی ما نسبت به در نظر گرفتن غضب خدا نمایانگر بسیار مطمئنی از حالت درونی ما نسبت به خود خدا است. اگر ما واقعا در خداوند برای آن چه که هست و آن چه که کمال او را نشان می دهد شادی و خوشی نداریم پس چطور می توانیم ادعا کنیم که محبت خدا را در دل داریم و واقعا او را از صمیم قلب دوست داریم. ما باید بسیار مراقب باشیم که از خدا ایده ای که فقط موافق دیدگاه خود ما و خواسته های شرورانه ما است نسازیم. با یکی از عزیزان ایرانی صحبت می کردم و گفت: خدا از من راضی هست!

خدا در کلامش می گوید: فکر کردید من هم مانند شما هستم! (مزمور ۵۰: ۲۱). اگر زمانی که قدوسیت خدا مطرح می شود، شادی نکنیم و او را سپاس نگوئیم (مزمور ۹۷: ۱۲)، اگر برای دانستن این که روز قضاوت خدا یکی از همین روزها سر می رسد و کسانی که مخالف او هستند و به روال این دنیای گناه آلود زندگی می کنند مورد غضب خدا قرار می گیرند شادی نمی کنیم، پس معلوم می شود که قلبا خدای واقعی را نپذیرفته ایم و هنوز در گناهان خود زندگی می کنیم و باید منتظر آمدن آن عذاب ابدی باشیم. "با خداوند شادی کنید، زیرا او انتقام خون بندگان را خواهد گرفت، او از دشمنان خود انتقام خواهد گرفت و قوم و سرزمین خود را از گناه پاک خواهد ساخت." (تثنیه ۳۲: ۴۳). و نیز " ... صدایی شنیدم که مانند فریاد گروهی کثیر در آسمان طنین افکند و می گفت «خدا را شکر! رستگاری و جلال و قدرت از آن خدای ما است. زیرا داوری های او راست و عادلانه است! او فاحشه بزرگ (یعنی شیطان) را که با زنا ی خود زمین را آلوده ساخت محکوم کرده و انتقام خون بندگان خود را از او گرفته است.» آن ها بار دیگر گفتند: خدا را شکر!" (مکاشفه ۱۹: ۱-۳). به راستی که چه روز پر جلالی خواهد بود وقتی که خداوند عظمت خویش را ثابت کند و حاکمیت خود را به طور کامل به اجرا بگذارد و عدالتش را به عمل آورد و کسانی که با تکبر جرات کردند بر خلاف خواست خدا عمل کنند به سزای اعمال خودشان برسند. "ای خداوند، اگر تو گناهان ما را به نظر آوری، کیست که بتواند تبرئه شود؟" (مزمور ۱۳۰: ۳). خوب است که تک تک ما از خود این سوال راپرسد. کتاب مقدس می گوید: بدکاران در مسند داوری خدا محکوم خواهند شد و به جماعت خدا شناسان راه نخواهند یافت (مزمور ۵: ۱). عیسی مسیح می گوید: به شما که دوستان من

هستید می گویم ، از کسانی که بدن را می کشند و بعد از آن کار دیگری از دستشان بر نمی آید نترسید. شما را آگاه می سازم که از کی باید بترسید: از آن کسی بترسید که پس از کشتن ، اختیار دارد به جهنم اندازد. آری می گویم از او باید ترسید. (لوقا ۱۲: ۴-۵). بهتر است وقت را غنیمت شمرده و اکنون که خداوند به ما فرصت داده ، به درگاه او برویم و با فروتنی و توبه از او بخواهیم که به سبب نام عیسی مسیح که برای گناهان ما غضب خدا را بر خود گرفت ، کفاره گناهان ما را داد و ما را از گناهان ما پاک کرد ، او نیز ما را بخشوده و از خطاهایمان پاک سازد. بیایید توبه کنیم و به عیسی مسیح خداوند پناه برده تا از غضبی که در آینده نزدیک آشکار خواهد شد بگریزیم.